

بررسی رویکرد تمدن اسلامی بر روند گسترش بیمارستان‌ها و مراکز درمانی در دوران آل بویه

علی الهامی

استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

چکیده

دولت‌های اسلامی از همان آغاز پیدایش اسلام با توجه به امکانات موجود در عصر خویش درزمینه‌های درمان، پرستاری ازبیماران و آماده‌سازی مکان‌های خاص جهت نگهداری از انواع بیماران که بعدها به «بیمارستان» معروف شد، اهتمام ویژه‌ای داشتند، به گونه‌ای که در مسائل تخصصی هر یک از مقوله‌های درمان، دارو، مراقبت و مراکز درمانی با تمام توان جهت رشد و توسعه آن با بهره‌گیری از دانش گذشتگان و افزودن تجربیات خود نیز گام‌های اساسی برداشتند و اقدام به انتقال آن به نسل‌های بعدی نمودند. نوآوری‌های مسلمانان در این زمینه بسیار گرانبها و تحسین برانگیز است؛ بنابراین، می‌توان «بیمارستان» را یکی از نمادهای ارزشمند علمی - تمدنی دانست که با حوزه سلامت فردی و اجتماعی ارتباط مستقیمی داشته است. آن چه در این پژوهش از ژرفای تاریخ تمدن اسلامی به صورت ویژه مورد توجه قرار می‌گیرد، بررسی مراکز درمانی و انواع آن در دولت آل بویه؛ یعنی فاصله زمانی ۳۳۴ تا ۴۴۷ ه ق (۹۴۶-۱۰۵۵ م) است که به عنوان نقطه اوج تمدن اسلامی در دوره حاکمیت ایرانیان شیعی مذهب به پیروی از سیره نیکوی پیامبر اکرم (ص) در امر بهداشت، مدیریت درمان و مراکز درمانی در راستای سلامت فردی و اجتماعی مورد توجه بوده است. البته تمدن اسلامی به نوبه خود به نشر فرهنگ پزشکی از طریق نقل آثار طبی بازمانده از امت‌های پیشین و نیز بنیاد پایگاه‌های علمی به منظور تربیت پزشکان توجه داشته است. یکی از جلوه‌های برجسته در تمدن اسلامی، ساخت و گسترش بیمارستان‌ها در سراسر جغرافیای سرزمین‌های اسلامی است. این مقاله در رابطه با انواع مراکز درمانی به لحاظ انواع بیماری‌ها، هزینه‌های درمانی، تأمین دارو، مراقبت‌های دوره درمان، ساخت و مهندسی بناهای بیمارستانی، بهره‌وری‌های آموزشی از این مراکز، در این مقطع تاریخی از تمدن اسلامی دستاوردهای ارزنده‌ای به دست می‌دهد که متفاوت با دیگر جوامع و حتی دوره‌های پیشین جهان اسلام است.

واژه‌های کلیدی: بیمار، بیمارستان، مرکز درمانی، تمدن اسلامی، دولت آل بویه

۱- مقدمه

بیمارستان‌ها یکی از مراکز آموزشی - درمانی و الگوهای نمادین تمدنی در امر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در تاریخ و تمدن اسلامی هستند که در راستای سلامت و بهداشت عمومی به عنوان نهاد درمانی و آموزشی همواره مورد اهتمام بوده است. طبق اسناد و منابع موجود، واژه بیمارستان مرکب از دو بخش: «بیمار» به معنای «دردمند» و «ستان» به معنای «جایگاه یا خانه»؛ مجموعاً به معنای بیمارخانه است (عیسی بک، احمد، ترجمه نورالله کسایی، ۱۳۷۱، ص ۲۱-۲۲) که ریشه در زبان پارسی میانه و تمدن ایرانی دارد. این اصطلاح با همین ترکیب تا قرون اخیر در زبان عربی برای مراکز آموزشی و درمانی در جهان اسلام متداول بوده است، آن‌گونه که در آندلس؛ غرب جهان اسلام «ارستان» و «مالستان» و در مصر و مراکش «مُرسُتان»، رایج است (عیسی بک، احمد، ترجمه نورالله کسایی، ۱۳۷۱، ص ۲۲). اما امروزه اصطلاحات جدید «المستشفى» و «دارالشفاء» در فرهنگ عربی رواج یافته است (کسایی، نورالله، ۱۳۶۳، ص ۳۹۳).

در منابع تمدن اسلامی نیز واژه «بیمارستان» از چنان اهمیت برخوردار بوده است که دانشمندان برجسته‌ای در دوران تمدن اسلامی تألیفات مستقلی در این زمینه به نگارش درآوردند که به عنوان پیشینه تحقیق به برخی از آن‌ها به قرار زیر اشاره می‌شود:

۱ - کتاب البیمارستانات که توسط ابوسعید منصور بن عیسی نسطوری مسیحی، معروف به زاهدالعلماء (۴۶۰ یا ۴۹۰ ق) تألیف گردید (معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۱، معجم المؤلفین، ج ۳، ص ۹۱۸، هدیه العارفین، ج ۲، ص ۴۷۳).

۲ - کتاب صفات البیمارستان که توسط محمد بن زکریای رازی (۲۵۱ - ۳۱۳ ق) تألیف گردیده است (ابن جلجل، ۱۹۵۵، ص ۸۲).

۳ - کتاب تاریخ بیمارستان عضدی که توسط فخرالدین ابوبکر عبیدالله بن ابی‌الفرج علی بن نصر بن حمرة (حمزه) تمیمی بکری، معروف به ابن مارستانیة (۵۴۱ - ۵۹۹ ق) تألیف گردیده است (دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۵۶۱).

۴- تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام، تألیف احمد عیسی بک، ترجمه نور الله کسایی، تهران: موسسه توسعه دانش و پژوهش در ایران، ۱۳۷۱ ش، چ، اول، از جمله کتب تدوین شده در این موضوعند.

از سوی دیگر، نظام درمان و آموزش پزشکی در تمدن اسلامی نیز با دو نوع از مراکز پزشکی آشنا بوده است:

۱- بیمارستان‌ها یا دانشکده‌های طب عملی (بالینی)

۲- مدارس طب نظری.

در واقع، بیمارستان‌ها در تمدن اسلامی به منزله همان دانشکده‌های پزشکی علمی نوین (کلینیکی) به شمار می‌رود. مسلمانان از دیر باز به اهمیت بیمارستان‌ها از نظر صلاحیت تعلیم در زمینه دانش پزشکی پی برده و از آنجا که حالت مختلف بیماری برای دانشجویان مشهود و داروها نیز در دسترس و فراوان بود، بیمارستان‌ها ضمن اینکه به معالجه بیماران می‌پرداختند، دانشکده‌های پزشکی را هم در بطن خود به وجود آوردند که عالی‌ترین خدمات را به این علم کرد و بدین مناسبت بر گردن انسانیت و علوم پزشکی جدید حق بزرگی دارد.

بنابراین، بیمارستان‌ها افزون بر وظیفه درمان بیماران، امر تدریس دانش‌های پزشکی را عهده دار بوده و اطبا و دانشجویان در بیمارستان‌ها، در کنار عمل طبابت، به تحصیل دانش طب اشتغال داشتند که نمونه‌هایی از آن، اکنون در برخی از مناطق جهان اسلام هنوز پابرجاست (نصر، حسین، ۱۳۶۲، صص ۸۰-۸۱). جرجی زیدان، دانشمند مسیحی در این باره می‌نویسد:

البته در دوره تمدن اسلامی، بیمارستان مشتمل بر مدارس طب نیز بوده و در آنجا به جز معاینه بیماران، درس طب می‌خواندند (زیدان، جرجی، ۱۳۷۲، ص ۶۰۷).

وظیفه دانشجویان تنها به کسب تجربه استادان محدود نبود بلکه باید مدارج علمی را پیموده و برای دریافت مجوز طبابت، رساله علمی ارائه می‌کردند (زیدان، جرجی، ۱۳۷۲، ص ۶۰۷).

۲- پیشینه بیمارستان در تمدن اسلامی

اولین محل درمانی و مراقبت از بیماران در تمدن اسلامی، مسجدالنبی بود که به دستور رسول خدا (ص) برای مداوای مجروحان جنگی آماده شد، هنگامی که سعد بن معاذ یکی از اصحاب پیامبر (ص) در جنگ خندق با تیر قریشیان آسیب دید. آن حضرت دستور داد تا در مسجد خیمه‌ای برای وی آماده کردند و پیامبر (ص) در فواصل کوتاه زمانی، از وی عیادت و احوال‌پرسی می‌کردند (ابن هشام، ج ۳، ص ۲۵۰) و در همین راستا «رفیده دختر سعد اسلمی» را که به دانش پزشکی آگاهی داشته در امر مداوا و مراقبت از وی و دیگر بیماران مأمور ساخت. این را می‌توان نوعی بیمارستان سیار و موقتی دانست.

دکتر احمد عیسی بک در باب بیمارستان‌های جهان اسلام، براین باور است که نخستین بیمارستان در تاریخ اسلام همان خیمه‌ای بود که پیامبر خدا (ص) هنگام جنگ خندق برای درمان مجروحان در مسجد مدینه برافراشته است (عیسی بک، احمد، ترجمه نورالله کسایی، ۱۳۷۱، ص ۹).

ابن اسحاق؛ اولین سیره‌نویس رسمی تاریخ اسلام؛ هم می‌نویسد:

" آن خیمه، متعلق به زنی از قبیله اسلم به نام رفیده بود که زخمی‌ها را مداوا می‌کرد و خود را وقف خدمت به آسیب‌دیدگان مسلمان کرده بود" (محمدبن اسحاق، ج ۱، ص ۲۱۲).

در کتاب «الاصابه» از زن دیگری به نام «کعبیه بنت سعد اسلمی» خواهر رفیده نیز یاد کرده است که بیماران را پرستاری می‌نمود. این روایت مفصل‌ترین مطلب از پیشینه مرکز درمانی در عصر پیامبر (ص) است (محمدبن اسحاق، ج ۱، ص ۲۱۲).

لکن مقریزی به نقل از یعقوبی (از مورخان قرن سوم هجری) براین باور است؛ نخستین کسی که به شیوه مدرن در جهان اسلام برای درمان بیماران رسماً اقدام به ساخت بیمارستان نموده ولید بن عبدالملک بن مروان (۸۶-۹۶ ه.ق) است، ولید در سال ۸۸ هجری (۷۰۶ میلادی) با ساختن مکانی خاص، طبیبانی را به کار گرفت و دستور به نگهداری از جذامیان را صادر کرد. (المقریزی، تقی الدین احمدبن علی، ج ۳، ص ۳۱۹) آورده‌اند که بیمارستان ولیدبن عبدالملک دارای بخش‌های مختلفی بوده است. از جمله بخش جذامیان که آنان را در محلی نگهداری می‌کردند و برای آنها مقرری در نظر گرفته بودند. (المقریزی، تقی الدین احمدبن علی، ج ۳، ص ۲۸۰-۲۸۵) بنابراین می‌توان نخستین بیمارستان رسمی و ثابت در تاریخ اسلامی بیمارستان ولید به شمار آورد هرچند از چگونگی، آثار و شواهد آن چیزی در دست نیست.

اما با توجه به منابع معتبر تاریخی، آثار و نمادهای تمدنی باقی مانده از جهان اسلام، مراکز درمانی در عصر خلافت عباسیان به ویژه در دوران حاکمیت آل بویه (۳۳۴-۴۴۷ ق/ ۹۴۶-۱۰۵۵ م) رونق فوق‌العاده‌ای یافته است و پزشکان بسیاری در جهان اسلام در این دوره پرورش یافته و به امر درمان و آموزش دانش پزشکی می‌پرداختند (عیسی بک، احمد، ترجمه نورالله کسایی، ۱۳۷۱، ص ۳۲۰، ۳۲۴).

افزون براین، در این دوره برای بیمارستان‌ها کارکردهای متعددی تعریف شده بود، علاوه بر مرکز درمان، جنبه آسایشگاهی نیز در آنها داشتند؛ مکان هائی برای نگهداری دیوانگان، از کار افتادگان و کهنسالانی که فاقد زندگی و کاشانه بودند در بیمارستان‌ها اختصاص داده می‌شد (مستوفی حمد الله، ۱۳۸۱، ص ۱۳۸).

از دیگر کارکردهای بیمارستان‌ها نظارت بر فعالیت‌های پزشکی در شهرها بود که با همکاری والیان و حاکمان انجام می‌شد. در برخی شهرها در عهد آل بویه «رئیس الاطباء» بر کار پزشکان نظارت می‌کرد. دانشجویان پزشکی باید متون خاصی را مطالعه کرده و آزمون می‌دادند تا مجوز کار در امور پزشکی و درمانی را دریافت نمایند، این فعالیت‌ها عموماً در بیمارستان‌ها انجام می‌پذیرفت و همه حاکی از توجه ویژه به سلامت جامعه، توسعه و ارتقاء دانش پزشکی در تمدن اسلامی است که در ذیل به اختصار به تحلیل روند توسعه بیمارستان‌ها و نقش آن بر ارتقاء دانش پزشکی در دولت آل بویه پرداخته می‌شود.

۳- بیمارستان‌های پیش از دوره آل بویه

البته توجه به حوزه درمان و احداث مراکز درمانی پیش از دولت آل بویه در دوره عباسیان آغاز گردیده بود که از جمله نمونه آن می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- بیمارستان برامکه: از نخستین مراکز درمانی وزیران ایرانی در دوره عباسیان است که در عهد وزارت برمکیان ساخته و از پزشک هندی معروف به ابن دهن در امر درمان و ترجمه متون پزشکی هند استفاده می‌شد (ابن الندیم، ابن الفرّج محمد بن ابی یعقوب، ۱۹۹۶، ص ۳۰۵).

- بیمارستان کرخ: برخی قدیمی‌ترین بیمارستان اسلامی را این بیمارستان می‌دانند که پس از بنای شهر بغداد در دوره منصور؛ دومین خلیفه عباسی، در جانب غربی بغداد احداث شده است. این بنا به مرکز آموزش و درمان پزشکی پایتخت خلافت تبدیل شد و پایه آموزش و درمان در جهان اسلام قرار گرفت، در این مرکز از پزشکانی از خاندان نصرانی بُختیشوع و محمد زکریا رازی در امر آموزش و درمان استفاده می‌شد (ابن ابی اصیبه، ۱۹۶۵، ص ۳۱۴). بر اساس گزارش‌های موجود؛ کلیه پزشکان بغداد از دوره خاندان بُختیشوع تا زمان رازی در همین مرکز به تحصیل و تدریس پزشکی پرداخته‌اند (زیدان، جرجی، ۱۳۷۲، ص ۱۵۱-۱۵۳).

- بیمارستان رشید: هارون الرشید در سال ۱۷۱ ه. ق ۷۸۶ م به جبریل بن بُختیشوع؛ پزشک ویژه دربار، دستور داد تا بیمارستان عمومی برای درمان و آموزش پزشکی در بغداد احداث گردد (نجم آبادی محمود، ۱۳۵۳، ص ۷۶۹). پس از اتمام کار از تعدادی از پزشکان و داروسازان جندی‌شاپور، چون ماسویه دعوت به عمل آمد تا در این مرکز به خدمات درمانی بپردازند. (نجم آبادی محمود، ۱۳۵۳، ص ۷۶۹) ریاست بیمارستان را نیز خلیفه به جبریل واگذار نمود (عیسی بک، احمد، ترجمه نورالله کسای، ۱۳۷۱، ص ۱۱۱).

- بیمارستان سیده خاتون، از دیگر بیمارستان‌های بغداد بود که در محرم سال ۳۰۶ ه. ق ۹۱۸ م به راهنمایی «سنان بن ثابت»، توسط مادر «مقتدر» خلیفه عباسی در کنار دجله، سمت خاوری شهر بغداد بنا شد، ماهانه ۶۰۰ دینار برای اداره آن هزینه پرداخت می‌شد (ابن ابی اصیبه، ۱۹۶۵، ص ۳۱۴ و قفطی، علی بن یوسف، ۱۹۰۳، ص ۱۹۵-۱۹۶).

- بیمارستان بدر؛ غلام «معتضد» خلیفه عباسی، هم در بغداد از محل درآمد موقوفات سجاح؛ مادر متوکل تأمین می‌شد. (عیسی بک، احمد، ترجمه نورالله کسای، ۱۳۷۱، ص ۱۱۳) پرداخت این هزینه‌های گزاف، حکایت از توجه نظام خلافت عباسی به سلامت و رفاه جامعه دارد که مادر خلیفه، در ترویج این امر هم نقش به‌سزایی داشته است.

- بیمارستان ابن فرات از دیگر مراکز درمانی بود که در سال ۳۱۳ ه. ق از سوی خاقانی وزیر، اداره آن به ابوالحسن ثابت بن سنان بن ثابت سپرده شد (ابن ابی‌اصیبه، ۱۹۶۵، ص ۳۰۵) و ماهانه ۲۰۰ دینار از دارایی شخصی وزیر خرج اداره آن می‌کرد (عبدالرحمن بن علی بن محمد بن الجوزی، ۱۳۷۵، ص ۸، ۱۱۵).

- به فرمان بجکم؛ ازامیران ترک، پس از درمان بیماری روانی وی به دست سنان بن ثابت، بیمارستانی درسال ۳۲۹ هـ / ۹۴۱ م در کناره غربی دجله بنا شد. (طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۳۲۹)

با این همه در این که از بیمارستان‌های پیش از دوران حاکمیت بویه‌پیمان استفاده آموزشی می‌شده مدارکی در دست نیست و چنین به نظر می‌رسد که بیمارستان‌های جهان اسلام پیش از دوره آل بویه ابتدائی و فقط مراکز درمانی بودند، نظیر آن چه در اکثر بیمارستان‌های امروزی معمول است.

۴- تحولات بنیادین در نظام درمانی و بیمارستانی در دوران حاکمیت آل بویه:

به دلیل تحولات گسترده‌ی پدید آمده در دوران حاکمیت آل بویه در حوزه درمان و مراکز درمانی می‌توان تاریخ سیاسی این خاندان را نقطه عطفی در رشد دانش پزشکی و نظام بیمارستانی بشمار آورد.

قرن چهارم هجری به استناد آثار و مدارک برجای مانده، برجسته‌ترین دوران تحولات فرهنگی و تمدنی به حساب می‌آید. پژوهشگران، اهمیت ویژه‌ای به این دوره می‌دهند. حتی آنان که با دولت بویه مخالفاند، ناگزیر از اعتراف به اهمیت این دوره از حیث فرهنگی، علمی و تمدنی هستند. (طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۵۷)

دولت آل بویه اولین حاکمیت قدرتمند شیعه مذهب ایرانی بود که در قرن چهارم هجری (در فاصله زمانی ۳۳۴-۴۴۷ ق / ۹۴۶-۱۰۵۵ م)، حدود یک سده بر اکثر مناطق جهان اسلام حکومت کردند. دولت این سلسله به دست سه برادر به نام‌های: علی (عمادالدوله)، حسن (رکن الدوله) و احمد (معزالدوله)؛ فرزندان ابوشجاع بویه، شکل گرفت که با به تصرف درآوردن بغداد؛ مرکز خلافت عباسی، نظام سیاسی مستحکمی و پایداری را به وجود آوردند.

این دوره به دلیل ضعف خلفای عباسی دوره‌ای است که جنبشهای آزادیخواهانه و استقلال طلبانه زیادی علیه دستگاه خلافت عباسیان اتفاق افتاد و حکومت‌های مستقل و نیمه مستقلی به وجود آمده بود.

ضعف خلافت عباسی به سبب نفوذ ترک‌ها در دستگاه خلافت، زمینه را چنان فراهم آورده بود که هنوز دو دهه از پیروزی بویه‌پیمان بر فارس نگذشته بود که خلیفه سنی مذهب (المستکفی ۳۳۳-۳۳۴ ق)، به اطاعت امیری شیعی از دیلمان گردن نهاد. (فدائی عراقی غلامرضا، ۱۳۸۳، ص ۴۵)

خلیفه برای رهایی از تسلط گستاخانه‌ی ترکان، حضور احمد بن بویه را در بغداد غنیمت شمرد، او و برادرانش علی و حسن را به ترتیب «معزالدوله»، «عمادالدوله» و «رکن الدوله» لقب داد؛ دست‌ور داد نام آنان را در خطبه آورده و حتی به نامشان سکه زدند. دوره‌ی آل بویه نقطه عطفی سیاسی- تمدنی در تاریخ ایران و جهان اسلام بود که کمر این دوران را دوران شکوفایی علمی، پیشرفت فرهنگی، انسان‌گرایی و عصر طلایی توصیف کرده است. اوج قدرت بویه‌پیمان دوران حکومت عضدالدوله بود که توانست بویه‌پیمان را متحد کند و در پرتو آن برای تسلط بیشتر بر اوضاع قلمرو خلافت، اقدامات اجتماعی و فرهنگی در خور توجهی انجام داد ارجمله به تأسیس مراکز علمی، کتابخانه‌ها و بنای بیمارستان‌هایی به ویژه در شیراز و بغداد پراخت.

طبق گزارش‌ها و شواهد تاریخی در عهد عضدالدوله دیلمی؛ قرن چهارم هجری، بیش از سی بیمارستان مجهز در قلمرو جهان اسلام در شهرهای مختلف احداث شد که مهم‌ترین مراکز علمی- درمانی بودند. (ولایتی، علی اکبر، ص ۱۵۰) نظر به این که این مراکز توسط عضدالدوله؛ نیرومندترین حکمران این خاندان بنیان نهاده شده بود به بیمارستان‌های عضدی شهرت یافته‌اند، درذیل به توضیح ویژگی‌های برخی از آنها پرداخته می‌شود:

۵- اولین بیمارستان عضدی:

عضدالدوله دیلمی نخست شیراز را پایتخت خود قرار داده بود، پیش از آنکه به بغداد رود، در فاصله سال‌های ۳۶۰ تا ۳۶۲ هجری بیمارستانی در شیراز احداث کرد که به بیمارستان عضدی معروف شد. (فدائی عراقی غلامرضا، ۱۳۸۳، ص ۲۱-۲۲) این

بیمارستان به جهت تجهیزات و موقوفاتی که برای آن اختصاص یافته بود، در جهان آن روز بی نظیر بود، پزشکان متعدد و ماهری در آن فعالیت می‌کردند. (تاج بخش، حسن، ۱۳۷۹، ص ۹۱-۹۲) ابوسعید عبیدالله فرزند جبرئیل؛ پزشک مخصوص عضدالدوله، بفرایند احداث این بیمارستان نظارت داشت، او محل‌های متعدد و مناسبی برای نگاهداری: افراد کور، مالیخولیایی، خانه‌ای برای پیرزنان بیوه و نیز محلی برای نگاهداری بچه‌های سرراهی در این مرکز درمانی احداث نمود. (جرجانی، اسماعیل بن حسن ۱۳۸۰، ص ۵۳۷)

از کتاب نزهةالقلوب، اثر حمدالله مستوفی قزوینی - که به سال ۷۴۰ تألیف یافته- چنین برمی‌آید که این بیمارستان تا آن زمان دایر و پایبرجا بوده است: "... و در آن شهر، جامع عتیق عمروبن لیث ساخته و گفته‌اند آن مقام هرگز از ولی خالی نبود و بین‌المحراب و المنبر، دعا را اجابت بود و مسجد جدید، اتابک سنقر بن مودود سلغری کرد و مسجد سنقر در خرگاه تراشان به اتابک سنقر بن مودود سلغری منسوب است و دارالشفا به عضدالدوله. (مستوفی حمد الله، حمد الله بن ابی بکر، ۱۳۸۱، ص ۱۳۸)

۶- ویژگی‌های بیمارستان عضدی شیراز:

- اتاق‌های متعدد در این بیمارستان وجود داشت.
 - از داروخانه‌ی مجهز بپرخوردار بود.
 - متخصصان مختلفی در این بیمارستان به درمان بیماری‌های می پرداختند که در ذیل مورد اشاره قرار می‌گیرد
 - شمار کارکنان و پزشکان این بیمارستان بسیار زیاد بود که در ذیل به نام و توانائی‌های تعدادی از آنان اشاره می‌شود:
- "ابراهیم بن بکس": متخصص داروسازی و در پزشکی و ترجمه مهارت داشته است. وی در اواخر عمر نابینا شد و از دانشجویان خود برای شرح حال بیمار کمک می‌گرفت و در عین حال باز هم از ارکان اصلی بیمارستان بود.

"ابن مندویه اصفهانی" پزشک و نویسنده ی کتاب "الکافی" که به دلیل اعتبار علمی، آن را قانون صغیر می‌نامند.

"ابوالخیر": نخستین سر جراح بود که دو نوع روغن مالیدنی برای درمان جراحی‌ها ابداع کرده است.

"ابوالحسن هبت الله ابوالعلا سعید بن ابراهیم" (ابن تلمیذ) از پزشکان عرب بود که در آغاز به ایران سفر کرد و زبان فارسی آموخت، سپس به بغداد بازگشته و در بیمارستان عضدی بغداد به طبابت پرداخت. او را جالینوس و بقراط زمان خود می‌دانند.

"ابوالسلط": دندان‌ساز معروف بیمارستان عضدی است. (مستوفی حمد الله، حمد الله بن ابی بکر، ۱۳۸۱، ص ۱۳۸)

بیمارستان عضدی شیراز بارها در اثر بلایای طبیعی تخریب و دوباره ترمیم شد و سرانجام با حمله هلاکوخان مغول در سال ۶۵۶ هجری از بین رفت. (ابن بلخی، ۱۳۸۴، ص)

۷- دومین بیمارستان عضدی:

دومین مرکز درمانی عضدی در شهر بغداد، «بیمارستان خلد» بود. این بنای درمانی در سال ۳۶۷ ه.ق / ۹۷۹ م به فرمان عضدالدوله دپلمی در جوار قصر الخلد ساخته شد که ضمن درمان بیماران، به آموزش دانش‌های پزشکی در شهر بغداد می‌پرداختند. (سیریل، الگود، ۱۳۷۱، ص ۹۲-۹۳)

۸- سومین بیمارستان عضدی:

مهم‌ترین بیمارستان جهان اسلام که در دوره آل‌بویه بنا شد، بیمارستان عضدی بغداد است که شهرت جهانی یافت و توانست الگویی برای دیگر مراکز درمانی - آموزشی جهان و سائر دولت‌های اسلامی قرار گیرد. این مرکز در سال ۳۶۸ ه.ق، (۹۷۸ م) بنیاد نهاد. (دانشنامه جهان اسلام، ج ۵، ص ۲۸۱-۲۸۲)

این همان بیمارستانی است که زکریای رازی برای انتخاب محل ساختن آن از آزمایش علمی فاسد در محیط استفاده کرد. هنگام ساخت این بنای درمانی - پزشکی "علی بن عباس مجوسی اهوازی" از برجسته‌ترین پزشکان اسلام - بر روند و مراحل آن نظارت داشت.

بنای این بیمارستان دوازده سال به طول انجامید تا سرانجام در صفر سال ۳۷۲ ه.ق گشایش یافت، مکان آن در جانب غربی بغداد بود. بیمارستان عضدی بغداد از مجهزترین و مدرنترین بیمارستان‌های آن دوره بود، بمانند بیمارستان شیراز داروخانه‌ی مجهزی داشت که انواع داروهایی که در اقصی نقاط مختلف جهان وجود داشت به آن مکان آورده می‌شد. (سیریل، الگود، ۱۹۵۱، ص ۱۸۶-۱۸۷)

عضدالدوله برای استخدام کارکنان مورد نیاز، از بهترین پزشکانی که در قلمرو جهان اسلام بودند، دعوت به عمل آورد، از جمله جبریل بن بختیشوع، طبیب مخصوص خود را از شیراز به بغداد فرا خواند. از چشم‌پزشکانی ماهر مانند: ابونصر دحلی، جراحانی نظیر ابوالخیر و ابوالحسن بن تفاح و نیز متخصص شکسته‌بندی (ارتوپدی) مانند: ابوالصلت در آن به خدمت گرفته شدند. (سیریل، الگود، ۱۹۵۱، ص ۱۸۸)

این حاکم خردمند برای کارهای درمانی، اداره بیمارستان، پزشکان، خدمتکاران و پرستاران هزینه و مستمری تعیین کرد و اموال فراوانی برای تأمین نیازهای بیمارستان اختصاص داد که دردیای آن روز بی‌نظیر بود. در بیمارستان عضدی ماهانه ۳۰۰ درهم به پزشک دستمزد پرداخت می‌شد. انواع داروها و گیاهان درمانی به بیمارستان برده شده و تعداد فراوانی از پزشکان را برای تشخیص و درمان در این مرکز مهم درمانی به استخدام گرفتند؛ ابوالحسن علی بن ابراهیم بن بکس از آن جمله بود که با کوشش بسیار به تدریس دانش‌های پزشکی در این بیمارستان سرگرم شد. وی گذشته از درمان به ترجمه از زبان سریانی به خوبی تسلط داشت.

دیگر پزشک این بیمارستان، ابولحسن علی بن کشریا بود که در آغاز کار در خدمت سیف‌الدوله حمدانی به سر می‌برد. یکی دیگر از پزشکان، نطیف رومی بود که با برخی از زبان‌های مشهور جهان آشنایی داشت و متونی را از یونانی به عربی ترجمه کرده بود.

پزشک مشهور دیگر این بیمارستان ابولفرج بن طیب مسیحی بود که پیشوای هم‌کیشان خویش بود، او فردی دانشمند و فیلسوف زمان خود بود و بر کتاب‌های ارسطو در علم منطق و آثار جالینوس در علم طب شرح و نقد نوشته بود. این دانشمند برجسته معاصر با شیخ الرئیس ابن‌سینا بود و در بیمارستان عضدی بغداد به تدریس دانش طب و معالجه بیماران توأمأ اشتغال داشت.

از جمله شاگردان برجسته و معروف ابولفرج، می‌توان از مختار بن حسن، معروف به ابن‌بطلان، ابن‌بدروج، هروی و غیره نام برد که همگی از بزرگان و سرشناسان دانش پزشکی در جهان اسلام بودند. سرانجام ابولفرج در سال ۴۳۵ ه.ق (۱۰۴۳ م) درگذشت. پس از این دوره تنی چند از پزشکان غیر مسلمان یکی پس از دیگری ریاست بیمارستان عضدی را بر عهده داشتند که از آن گروه می‌توان به افراد ذیل اشاره نمود:

ابولحسن بن سنان بن ثابت بن قره صابی که حدود سال ۴۳۹ ه.ق پیشوای ترسایان بیمارستان بوده است. فرد دیگر، امین‌الدوله بن تلمیذ در گذشته سال ۵۶۰ ه.ق که او نیز تا هنگام وفات پیشوای ترسایان بود. از جمله کسانی که تولیت نظارت و بازرسی بیمارستان عضدی را داشته ان ابوبکر بن مارستانیه در گذشته سال ۵۹۹ ه.ق بوده است.

به هر صورت، بیمارستان عضدی از بزرگ‌ترین بیمارستان‌ها بود که بغداد به خود دیده بود و چنین می‌نماید که این بیمارستان تا حمله مغول بر بغداد در سال ۷۵۷ ه.ق همچنان باقی و پابرجا ماند. (کسای، نورالله، ۱۳۶۳، ص ۱۷۱) قفطی در این زمینه می‌نویسد:

تعداد کارکنان بیمارستان، هشتاد تن بود، طبیبانی که قادر به تعلیم طبابت باشند، نظیر ابوالحسن علی ابراهیم بن بکس، ابوالحسین علی بن کشرابا، ابویعقوب اهوازی ابوعیسی بکیه، نظیف الرومی (کشیش) و... از جمله دانشمندان علم طب بودند که در این مرکز به خدمات پزشکی اشتغال داشتند». (کسای، نورالله، ۱۳۶۳، ص ۱۷۱)

۹- برخی از طبیبان این بیمارستان:

علی بن عباس مجوسی اهوازی ارجانی: وی سومین شخصیت بزرگ پزشکی ایران و جهان اسلام است. کامل‌الصناعه یا طب ملکی علی بن عباس در زمان عضالدوله دیلمی شهرت و احترامی بسیار داشت و طبیب مخصوص او بود. او شاهکار خود، کامل‌الصناعه یا طب ملکی را به نام عضالدوله نگاشت. وی بر حضور منظم محصل در بیمارستان، دلسوزی بر بیماران و در خدمت استاد بودن تأکید می‌ورزید. او به سال ۳۸۴ هجری درگذشت.

ابوسهل ارجانی: وی در ارجان فارس به دنیا آمد و ساکن شیراز شد و به خدمت ابوکالیجار عمادالدوله، مرزبان آل بویه درآمد. ارجانی به حسن گفتار و کردار معروف بود. معلوم نگردید به چه علت زن ابوکالیجار - که دختر عم پادشاه بود - ارجانی را به مسموم کردن یکی از پردگیان پادشاه متهم کرد. پس از آن به دستور سلطان طبیب را به زندان افکندند تا اینکه، سال ۴۱۸ هجری درگذشت.

ابوالعلائی فارسی: وی پزشک مخصوص عضالدوله دیلمی بود و پس از مرگ او نیز به خدمت پسرش شرف‌الدوله درآمد تا آنکه شرف‌الدوله به بیماری سختی مبتلا شد و درگذشت. سپس اطرافیان، طبیب را به سهل‌انگاری عمدی در درمان شرف‌الدوله متهم کردند و او نیز رنجیده‌خاطر شد و شیراز را به قصد بصره ترک گفت، ولی در بین راه به بیماری رشته (پیوک، عرق مدنی) مبتلا شد و در سال ۳۸۰ هجری وفات یافت.

۱۰- دستاوردهای پزشکی در عهد آل بویه

تجارب و دستاوردهای پزشکی منتج به تدوین مهم‌ترین دانش‌نامه‌های علم پزشکی در تمدن اسلامی در این عصر گردید از آن جمله می‌توان از کتاب‌های فردوس الحکمه، اثر علی بن ربن طبری، الحاوی درسی جلد و کتاب "المنصوری" یا "طب المنصوری" در ده جزء، اثر محمد بن زکریای رازی؛ پزشک و فیلسوف بزرگ ایرانی را نام برد که از قرن چهارم به بعد همواره از مهم‌ترین کتاب‌های پزشکی شمرده می‌شد و پس آن کتاب مشهور "کامل‌الصناعه فی الطب" معروف به "الطب الملکی" یا "کناش عضدی" اثر علی بن عباس اهوازی؛ درگذشته به سال ۳۸۴ هجری بود؛ و آخرین دانشنامه بزرگ پزشکی در میانه قرن چهارم هجری (۳۷۰-۴۲۸ ه.ق)، کتاب "قانون" نوشته، ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا است. تألیف کتاب قانون هم همواره جزو کتاب‌های مهم مورد مطالعه و استفاده اهل فن بود. این کتاب به زبان‌های لاتین ترجمه شده و چند بار به چاپ رسیده است. او در همدان وزارت شمس‌الدوله دیلمی داشت؛ که همه محصول توأم بودن آموزش و درمان در بیمارستان بوده است. (جان احمدی فاطمه، ص ۱۶۲)

۱۱- ویژگی‌های کلی بیمارستان عضدی بغداد:

-هزینه‌ی احداث این بیمارستان صد هزار دینار شد؛ این رقم در آن زمان هزینه‌ای گران و عظیمی بود

- از آب دجله با وسیله لوله کشی در اطاق های بیمارستان، استفاده می‌شد.
- کاخی بزرگ با اتاق‌های متعدد این بیمارستان را احاطه کرده بود.
- داروخانه‌ی مجهزی داشت که از اقصی نقاط داروهای آن فراهم می‌شد.
- دارالشفای دیوانگان این بیمارستان از شهرت زیادی برخوردار است.
- شمار کارکنان و پزشکان این بیمارستان بالغ بر هشتاد نفر بود
- بیمارستان‌های عضدی عموماً وقف عام و مبتنی بر موقوفات اداره می‌شد.
- بیمارستان عضدی تخصص‌های گوناگونی داشت که شامل کحالان، جراحان و مجبران (=شکسته بندان) هم می‌شد.
- در این بیمارستان دروس پزشکی و اقرابادین (=وصف ترکیب ادویه) ارائه می‌شد
- اطباء کشیک شبانه هم در این مرکز وجود داشت (زیدان، جرجی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص).

رسم بر این بود، هنگامی ورود بیمار به محیط بیمارستان عضدی، جامه معمولی از تنش بیرون آورده و جامه بیمارستانی بر او می‌پوشانند، جامه و وسایل بیمار به سرپرست بیمارستان سپرده می‌شد، آن‌گاه که مراحل درمان تمام می‌شد جامه و وسایلش را به وی پس می‌دادند و از بیماران هزینه‌ای دریافت نمی‌شد.

هنگامی بیمار ترخیص می‌شد که بتواند جوجه و نان بخورد (تحمل تغذیه را داشته باشد) و در این صورت جامه و وسایلش را پس می‌دادند. این برگرفته از رفاه اجتماعی، رشد و شکوفایی دانش پزشکی و حاکی از توجه نظام سیاسی به سلامت و امنیت اجتماعی بود که همه از شاخص‌های فرازمندی تمدن اسلامی به شمار می‌آید.

۱۲ - توسعه فرهنگ بیمارستانی و بیمارستان سازی در تمدن اسلامی:

البته همانگونه که بیان شد در دوره دولت‌مردان آل‌بویه بیمارستان‌های متعددی پدید نگری نه تنها در شهر بغداد که در شهرهای فارس، ری، گرگان، مصر و سایر قلمرو جهان اسلام احداث گردید که همه از الگوی بیمارستان عضدی بغداد در کیفیت بنا، خدمات درمانی و آموزشی، تخصص‌های گوناگون و... تبعیت می‌نمودند از این رو، می‌توان نقش دولت آل بویه را در اینجا این فرهنگ بسزا دانست، از آن جمله:

- در گرگان بیمارستانی توسط بهاءالدوله بنا شد که سرپرستی آن را جرجانی بر عهده داشت.

- در دوران وزارت علی بن عیسی بیمارستانی به پیشنهاد سنان بن قره حرّانی برای جراحی و درمان بیماری‌های وُبا و طاعون با هزینه شخصی وزیر، در جانب غربی بغداد بیمارستانی بنا گردید که سنان، ابوعثمان سعید بن یعقوب دمشقی که پزشک ویژه و رییس گروه پزشکی در تمامی بیمارستان‌های بغداد بود، به سرپرستی آن برگزیدند.

- بیمارستان کافور اخشیدی در مصر: این بیمارستان را کافور اخشیدی، امیر مصر، در میانه قرن چهارم هجری ساخت و اوقاف بسیاری نیز برای آن تعیین کرد (زیدان، جرجی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص). آورده‌اند که کافور دو وضوخانه و دو سقاخانه و تأمین کفن را وقف بیمارستان کرد. همچنین مورخان سرشناس مصری گفته‌اند که در بیمارستان خُم‌های بزرگ چینی، ظروف سفالین، دیگ‌های مسین، هاون‌ها، طشت‌ها و چیزهای دیگری به قیمت سه هزار دینار تدارک دیده شده بود و چند برابر اینها را از

بیمارستان اعلی یا عتیق که احمد بن طولون ساخته بود به این بیمارستان بردند. این بیمارستان به بیمارستان اسفل نیز معروف بود. (دانشنامه جهان اسلام، ص ۲۸۱)

- بیمارستان مظفری: یکی از مهم‌ترین بیمارستان‌های ایران در شیراز که آن را فردی نیکوکار به نام اتابک مظفرالدین بن سعد زنگی حدود ۳۶۰ هجری احداث کرد و به بیمارستان مظفری معروف شد. پزشکان بزرگی چون: ضیاءالدین مسعود طبیب کازرونی و برادر او کمال‌الدین ابوالخیر از سال ۶۳۰ تا ۶۵۰ هجری در این بیمارستان به تدریس پزشکی و درمان بیماران اشتغال داشتند، می‌توان دریافت که این مرکز به احتمال در حدود سال ۶۳۰ هجری احداث شده است. ضیاءالدین مسعود در آنجا به چشم‌پزشکی و تدریس طب پرداخت.

کمال‌الدین ابوالخیر بن مصلح کازرونی سال‌ها در بیمارستان مظفری به تدریس طب پرداخت. از شاگردان برجسته او می‌توان به نابغه دوران، علامه قطب‌الدین شیرازی و همچنین شیخ زین‌الدین پسر عزالدین مودود زرکوب اشاره کرد.

اتابک مظفرالدین دیه‌ها، مزارع، باغ‌ها و آسیاب‌ها را نیز وقف این بناها می‌نمود. اونیز در شیراز بیمارستانی مجهز تأسیس کرد و پزشکان دانشمند و جراحان ماهر را در آن به کار گمارد و در کنار این بیمارستان نیز باغ‌ها و بستان‌های زیبا و جویبارهایی ایجاد کرد تا در فصل بهار و تابستان، گردشگاه و استراحتگاه عموم باشد. این باغ‌های زیبا با انواع میوه‌ها، شکوفه‌ها، گل‌ها و شقایق‌ها، آن چنان بود که به گفته مؤلف تاریخ و صاف، می‌توان این بیمارستان را بوستان‌سرای سرزمین شیراز نامید.

بیمارستان مظفری شیراز پس از سقوط اتابکان فارس در اوایل سده هشتم هجری به صورت ویرانه‌ای درآمد تا اینکه رشیدالدین فضل‌الله همدانی آن را احیا نمود.

- بیمارستان اصفهان که این‌مندیویه، پزشک مشهور، در آن به طبابت می‌پرداخت. بدین‌سان، بیمارستان‌ها از مراکز آموزشی-درمانی بودند که در تأمین سلامت و رفاه عمومی نقش اساسی داشتند.

و از قرن پنجم هجری به بعد، تقریباً در هر شهر مهم اسلامی می‌توان یک یا چند بیمارستان یافت. در این قرن شواهدی از ساخته شدن بیمارستان‌هایی در واسط، میافارقین، نیشابور، خوارزم، مرو و دمشق در دست استاز جمله:

- بیمارستان ابن خلف:

این بیمارستان در بغداد به فرمان ابوغالب محمد بن علی بن خلف (فخرالملک: ۴۰۷ یا ۴۰۶-۳۵۴ ق) وزیرالقادر بالله عباسی (۴۲۲-۳۸۱ ق) ساخته شد و از بیمارستان‌های بزرگ و کم نظیر آن زمان بود.

- بیمارستان نیشابور:

این بیمارستان را طبیبی به نام عبدالملک بن ابی‌عثمان محمد بن ابراهیم نیشابوری معروف به خرگوشی بنا کرد. وی ابتدا در مکه به تحصیل پرداخت و پس از بازگشت به موطن خود نیشابور، به احداث پل‌ها، آب‌انبارها، مساجد و بیمارستان همت گمارد و جوهات و املاکی را نیز وقف آنها کرد. پس از او خواجه نظام‌الملک نیز در نیشابور بیمارستان بزرگی ساخت که پس از حمله مغول به ایران منهدم گردید و اثری از آن باقی نماند.

- بیمارستان نظامیه نیشابور:

این بیمارستان را خواجه نظام‌الملک حسن بن علی طوسی (م. ۴۸۵ ق)، وزیر دانشمند و پر قدرت الب ارسلان، در نیشابور تأسیس کرد، در آنجا روزانه هزار دینار از محل صدقات هزینه می‌شد. خواجه طوسی افزون بر نیشابور در بغداد، بلخ، هرات و اصفهان بیمارستان‌هایی بنا کرد؛ و بخش عمده‌ای از مخارج آنها، از ثروت شخصی نظام‌الملک و پاره‌ای از آن نیز از درآمدهای کشوری تأمین می‌شد.

- بیمارستان نوری دمشق (کبیر نوری):

این بیمارستان را نورالدین محمود بن زنگی در ۵۴۹ هجری در دمشق از اموال به‌دست آمده از فدیه اسیران صلیبی بنیاد نهاد. این بیمارستان از بهترین بیمارستان‌های سرزمین‌های اسلامی بود. نورالدین اطبای سرشناسی را در آنجا به‌کار گمارد و کتابخانه معتبر و کتب طبی فراوانی به آنجا اهدا کرد. نورالدین شرط کرده بود که نیازمندان و بیچارگان از آن استفاده کنند و هر کس برای پرسش و مشورت طبی به بیمارستان بیاید مانع استفاده او از شربت‌های دارویی آنجا نشوند. این بیمارستان تا ۱۳۱۷ هجری به فعالیت خود ادامه می‌داد.

در ایران نیز از ساخته شدن بیمارستان‌هایی بزرگ و با امکانات بسیار در شهرهای شیراز، یزد، کرمان و اصفهان از قرن ششم به بعد گزارش شده است که از بزرگ‌ترین آنها بیمارستان ربیع رشیدی بود این مرکز درمانی به دستور خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در تبریز ساخته و موقوفات بسیاری برای امور مالی آن تهیه شد. همچنین مشخص شده که امیر تیمور گورکانی دستور داده بود در هر یک از شهرهای حکومتش دست کم یک بیمارستان ساخته شود.

۱۳- بیمارستان‌های ایران در دوره ایلخانان مغول:

- در دوره ایلخانان مغول، محمود غازان خان اولین ایلخانی است که اسلام آورد. اصلاحات اداری وی سبب شد کشاورزی و دامپروری رونق گیرد و ظلم و ستم مغولان نیز کاهشی نسبی یابد. غازان خان دانشمندان را گرامی می‌داشت و به احداث بناهای خیریه از جمله بیمارستان نیز علاقه‌مند بود.

- غازان خان در ناحیه شام تبریز که یکی از دروازه‌های آن شهر بود، شهرکی به نام شام تبریز بنا کرد که بعدها به شام غازان یا شنب غازان معروف گردید. وی در اطراف این شهرک، افزون بر سراهای متعدد، کتابخانه‌ای بزرگ، خانقاه، رصدخانه، مدرسه و چند مسجد برای مذاهب مختلف اسلام و همچنین دارالشفای معتبری بنا نهاد. بی‌گمان می‌توان این مجموعه را دانشگاهی عظیم دانست. وی املاک و اموال فراوانی را وقف این تشکیلات نمود و تولیت آن را نیز برعهده وزیر خویش، خواجه رشیدالدین فضل‌الله گذارد.

۱۴- دارالشفای (بیمارستان غازانی تبریزی)

- به دستور غازان خان در شنب غازان، دارالشفایی ساخته شد که نقاشی‌هایی زرنگار بر در و دیوار داشت و محیط آن عطرافشان بود. در این بیمارستان مواد اولیه برای تهیه غذا و دارو وجود داشت و ملحفه و جامه خواب و لباس نیز برای آنان آماده بود. در کنار بیمارستان، کتابخانه‌ای نیز دایر بود که به همان ترتیب آراسته شده و از آن نگهداری می‌شد و حتی بودجه کتاب‌های ضروری آن تأمین می‌گردید. در این بیمارستان، بخش‌های جراحی و چشم‌پزشکی نیز فعال بود و حقوق پزشکان، جراحان، چشم‌پزشکان، انبارداران، پرستاران و کارگران به موقع پرداخت می‌شد و حتی برای کفن و دفن مردگان بودجه خاصی تعیین شده بود. از سرنوشت این بیمارستان اطلاعی در دست نیست، ولی به‌احتمال تا پایان دوران مغولان فعال بوده است.

- اولجاتیو معروف به خدابنده نیز در بنای سلطانیه، همان راهی را پی‌گرفت که غازان خان در ساختن شنب تبریز پیش گرفته بود. وی فرمان بنای هفت مسجد را صادر کرد و بناهای بسیار دیگری چون دارالشفای، داروخانه، دارالسیاده و خانقاه نیز در سلطانیه تأسیس نمود. در ساختن پایتخت جدید، امرا و وزرای اولجاتیو هر یک به سهم خود شرکت داشتند. برای مثال خواجه رشیدالدین یک محله تمام از سلطانیه را- که مشتمل بر هزار خانه، مدرسه، دارالشفای و خانقاه بود- به خرج خود ساخت. یکی از کسانی که به‌حق در بالندگی علم در این دوران سهمی بسزا دارد، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی است که بجاست به اجمال زندگی او را از نظر بگذرانیم.

- خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی فرزند ابوالخی- ربن عالی یا غالی از اهل همدان، در حدود سال ۶۴۸ هجری به دنیا آمد. سال دقیق ولادت او در هیچ مأخذی نیامده، ولی خود گفته است امسال که سال ۷۱۰ هجری است، من شصت و دو سال هلالی دارم. اصل این خاندان از نژاد یهود و شغل آنان طبابت و کارهای دیوانی بوده است و او نیز از پدر فن طبابت آموخت.

- وی در دوران فرمانروایی اباقاخان پزشک دربار شد. جانشین او غازان خان نیز پس از پذیرش اسلام چنان شیفته کمالات معنوی خواجه رشیدالدین گردید که وی را وزیر خود کرد. او در طول ۲۲ سال وزارت خود، از ثروت و قدرتی که در اختیار داشت، برای ساخت مدارس و بیمارستان‌ها و کتابخانه‌ها و موقوفات استفاده نمود.

۱۵- خدمات ارزنده رشیدالدین فضل‌الله

بیمارستان ربیع رشیدی:

بیمارستانی که رشیدالدین فضل‌الله در شهر تبریز ایجاد کرده بود، بخشی از بناهای ربیع رشیدی به‌شمار می‌رفت. این مجموعه درواقع شهرکی فرهنگی بود که خود رشیدالدین بر آن نظارت داشت. در بیمارستان ربیع رشیدی شصت هزار جلد کتاب درباره علوم مختلف موجود بود که برخی از آنها کتاب‌های چینی بودند. همچنین در این بیمارستان برای درمان بیماری‌ها، انواع معجون‌ها و شربت‌های چینی وجود داشت.

بیمارستان ربیع رشیدی باید بسیار بزرگ بوده باشد؛ زیرا در یکی از نامه‌ها درخواست شده است که سیصد من روغن‌های گوناگون برای آن ارسال گردد. از سویی در این نامه، میزان مصرف داروهای سالیانه‌ای چون تخم بادیان، قارچ، اسطوخودوس، عرق مصطلکی، کشوث و خاراگوش نیز از هر یک صد من قید شده است. در این بیمارستان پنجاه پزشک خدمت می‌کردند که برخی از آنان از نقاط دوردستی چون مصر و چین و هند و سوریه آمده بودند. هر یک از این پزشکان نیز وظیفه داشتند ده دانشجو را تعلیم دهند.

در بیمارستان رشیدی، جراح و چشم‌پزشک و شکسته‌بند نیز مشغول بودند که هر یک پنج تن از دانشجویان پزشکی را به‌عنوان دستیار، زیردست خود داشتند. پزشکان، پزشک‌یاران، داروسازان و پرستاران به‌طور تمام وقت، کارکنان و مسافران ربیع رشیدی را به‌رایگان درمان می‌کردند. در این بیمارستان پزشکان و دانشجویان و دیگر شاغلان، از مقرری کافی، مسکن، غذا و درمان رایگان نیز برخوردار بودند.

۱۶- ویژگی‌های بیمارستان‌های اسلامی

تنوع بیمارستان به‌سیار و ثابت:

بیمارستان‌ها به دو گروه سیار و ثابت تقسیم می‌گشتند. در اردوکی‌های نظامی، یک بیمارستان سیار با تخت‌های روان مخصوص و تعدادی پزشک، همراه لشکر بود. تخت‌های روان را بر روی شتر می‌بستند و داروها، چادرها و لوازم بیمارستان را شتران و قاطران حمل می‌کردند. در صورت شیوع بیماری‌های واگیردار مانند وبا و...، بیمارستان سیار را به آن مناطق می‌فرستادند و حتی از آن برای مداوای زندانیان بیمار استفاده می‌کردند. همراه خلفا و فرمانروایان به‌مانند سپاهیان گاهی بیمارستان سیار حمل می‌شد.

اول کسی که این کار را به‌صورت دیوانی مرسوم کرد، علی بن عیسی بن الجراح وزارت خلیفه‌المقتدر (ف ۳۲۰ ق) بود. وی به اشاره سنن بن ثابت بن قُره (ف ۳۲۰ ق) بدین کار دست زد. (دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۶۵، ص ۲۰۳) و اولین شرح کاملی که از بیمارستان‌های متحرک در دست است، مربوط به بیمارستان متحرک سپاه سلطان محمود غزنوی است.

پزشکان بیمارستان‌های سیار از هر نظر مانند پزشکانی بودند که در بیمارستان‌های ثابت خدمت می‌کردند. باهلی از اهالی شهر «المریه» آندلس نخستین کسی است که در تاریخ اسلام، بیمارستان سیاری تأسیس کرد که با چهل شتر حمل می‌شد و دستیاری به‌نام سدید ابوالوفا معروف به «موراخیم» داشت. می‌گویند سلطان ظاهر برقوق (قرن ۸۰۱) بیمارستان سیار بسیار مجهزی داشت؛ و به‌تدریج حدود فعالیت این‌گونه بیمارستان‌ها وسعت یافت.

بیمارستان ثابت:

بیمارستان‌های ثابت متحرک نبودند این نوع بیمارستان‌ها یا از حیث بزرگی و کوچکی و وسایل و تجهیزات، متفاوت بودند و این به موقعیت بیمارستان و سازنده آن بستگی داشت. هر کس بیمارستانی بنا می‌کرد، مخارج آن را با اختصاص موقوفه تأمین می‌نمود. طبیعی است هر قدر موقوفات و درآمدها بیشتر می‌شد، بیمارستان‌ها نیز مجهزتر و کارآمدتر می‌گردید. بیمارستان‌های ثابت نیز بر دو بخش بودند: بیمارستان‌های مردان و بیمارستان‌های زنان که هر یک کارمندان جداگانه زن و مرد داشتند و حتی هر کدام به گونه‌ای مجزا، از بخش‌های جراحی، امراض داخلی، شکسته‌بندی و چشم‌پزشکی تشکیل می‌شدند.

ارزش و اهمیت هر بیمارستان، بسته به فردی بود که به‌عنوان رئیس آن انتخاب می‌شد. اهمیت هر بیمارستان هم به رییس آن وابسته بود.

۱۷- طبقه بندی بیمارستان‌ها:

بیمارستان‌های اسلامی در آن زمان دارای چندین بخش اصلی: معاینات عمومی-بزرگترین بخش به معاینات عمومی اختصاص داشت- برای تشخیص تب، سرماخوردگی، دیوانگی و... بخش جراحی. بخش چشم پزشکی بخش‌های دیگر نیز شامل بخش دندانپزشکی، بخش امراض داخلی، بخش شکسته بندی بود.

۱۸- مزایای بیمارستانها در دوران اسلامی

- ۱- همه چیز برای عموم بیماران رایگان بود و بدون هرگونه خرج تراشی از هر طبقه به نحو احسن پذیرایی به عمل می‌آمد؛
- ۲- بلکه به افراد مستمند نیز پس از ترخیص کمک‌های نقدی می‌شد تا پس از مرخص شدن بیمار از بیمارستان‌ها دوران نقاهت را بدون زحمت کار بگذرانند؛
- ۳- رعایت حقوق بیمار از نظر اقلیت‌های مذهبی به عمل می‌آمد؛
- ۴- درمانگاه‌های سرپایی و ایجاد آموزش سرپایی و درمانگاهی در بیمارستان‌ها وجود داشت؛
- ۵- هر یک از بخش‌های مردانه و زنانه، پرستاران و خدمه‌اش، از جنس خود بیماران بودند و این موضوع باعث می‌شد که بیماران در برخورد با پرستاران احساس آزادی بیشتری می‌کردند (حسین درگاهی، آیت معروفی، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره سوم شماره ۴).

۱۹- نتیجه:

حدود یک قرن دوران پرفراز حاکمیت آل بویه به عنوان اولین دولت قدرتمند شیعه مذهب ایرانی (ازسالهای ۳۲۱ تا ۴۴۸) که عصرطلایی تمدن اسلامی نام گرفته یکی از پردامنه‌ترین و غنی‌ترین تمدن‌های شناخته شده جهان است که در گستره جغرافیای جهان اسلام در دوران خلافت عباسی به منصف ظهور رسید. این تمدن که در قرون چهارم و پنجم هجری عظمت و شکوه خود را به نمایش گذاشت در عرصه های مختلف علمی-تمدنی دست آوردهای ارزنده‌ای را به جامع بشری عرضه کرده است.

در میان مطالعات موجود در این دوره بخش قابل توجهی از پژوهش‌های تاریخی-تمدنی به کندوکاوهای محققان درباب دانش‌ها و خدمات پزشکی اختصاص یافته است. مقاله حاضرکه بر بنیاد پاره‌ای پرسش‌های مسئله محور شکل گرفته، تلاشی است برای بازپایی ابعاد و زوایای بیمارستان‌ها به عنوان مراکز درمانی- آموزش پزشکی و نقش آن بر سلامت فردی و اجتماعی در جامعه اسلامی، در این فرآیند نگارنده کشیده است تا با رویکرد تاریخی-جامعه‌شناختی مسئله را مورد بازکاوی قرار دهد که موارد ذیل نتایج این تحقیق است.

براساس بررسی‌های به عمل آمده این نتیجه حاصل شد که در دوره دولتمردان آل بویه بیمارستان‌های متنوع و متعددی در سراسر قلمرو جهان اسلام احداث شد که از آن جمله می‌توان از درمانگاه‌های سیار و ثابت، تیمارستان برای بیماران روانی، بیمارستان‌های اختصاصی و تخصصی، بخش‌های ویژه زنان و مردان و آسایشگاه‌های معلولان و کهنسالان اشاره نمود که همه ناشی از توجه این دولت به امر درمان و دانش پزشکی است.

افزون بر این از دیگر نتایج عمده پژوهش آن است که خدمات این دولت در رابطه با مراکز درمانی و آموزش‌های پزشکی تأثیری بسزائی بر نوآوری‌های درمانی، تخصص‌ها، توسعه دانش پزشکی و تدوین مهم‌ترین دانشنامه‌های پزشکی در این دوره می‌باشد.

۲۰- منابع

۱. ابن ابی اصیبعه، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، بیروت، چاپ نزار، ۱۹۶۵ م.
۲. ابن ابی اصیبعه، کتاب عیون الانباء فی طبقات الأطباء، چاپ امرؤ القیس بن طحان (آوگوست مولر)، کونیگسبرگ و قاهره، ۱۸۸۲/۱۲۹۹ م. چاپ افست انگلستان ۱۹۷۲ م.
۳. ابن الندیم، ابن الفرج محمد بن ابی یعقوب، الفهرست، تصحیح، یوسف علی طویل، دار الکتب العلمیه، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۶ ق/ ۱۹۹۶ م.
۴. ابن بلخی، فارسنامه، تصحیح گای لیسترانج و رینولد آلن نیکلسون، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴
۵. ابن جلجل، (سلیمان بن حسان اندلسی معروف به ابن جلجل)، طبقات الاطباء و الحكماء، قاهره، چاپ فؤاد سید، ۱۹۵۵ م.
۶. ابن صاعد اندلسی، التعریف به طبقات الامم، تاریخ جهانی علوم و دانشمندان تا قرن پنجم هجری، مترجم، غلامرضا جمشید نژاد، تهران، بی نا، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۷. ابن عبری، تاریخ مختصرالدول، لبنان، چاپ انطون صالح انیسوسی، ۱۴۰۳ ه.ق/ ۱۹۸۳ م.
۸. ابن فضل الله عمری، مسالك الابصار فی ممالک الامصار، سفر ۹، چاپ عکسی از نسخه خطی کتابخانه سلیمانیه استانبول، مجموعه ایا صوفیه، فرانکفورت، چاپ فؤاد سزگین، ۱۴۰۸ ه.ق/ ۱۹۸۸ م.
۹. ابن قتیبه، کتاب عیون الاخبار، بیروت: دارالکتب العربی، بی تا.
۱۰. ابن ندیم؛ محمد بن زکریا رازی، کتاب الحاوی فی الطب، پاکستان، حیدرآباد دکن ۱۳۷۴ - ۱۳۹۰ ه.ق / ۱۹۵۵ - ۱۹۷۱ م.
۱۱. ابن هشام، السیره النبویه، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری و عبد الحفیظ شلبی، (بیروت): دار ابن کثیر
۱۲. ابن جلجل، سلیمان بن حسان، طبقات الأطباء و الحكماء، محقق: سید، فواد، ناشر: المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیة محل نشر: قاهره - مصر سال نشر: ۱۹۵۵
۱۳. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، چاپ محمد حمید الله، مصر ۱۹۵۹ م.
۱۴. احمد بن قاسم أصیبعه، موفق الدین ابی العباس احمد بن قاسم، عیون الانباء فی طبقات الأطباء، ترجمه جعفر عصبان و محمود نجم آبادی (تهران: بی نا، ۱۳۴۹ ش).
۱۵. اولمان، مانفرد، طب در اسلام، لیدن ۱۹۷۰ م.
۱۶. آوارت، فهرست نسخه های خطی عربی در کتابخانه سلطنتی برلین، ۱۸۸۷-۱۸۹۹ م.
۱۷. بغدادی، اسماعیل و آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، هدیه العارفین، اسماء المؤلفین و آثار المصنفین مجلد: ۲، مصحح: خرسان، محمد مهدی ناشر: دار احیاء التراث العربی محل بیروت، لبنان، بی تا
۱۸. تاج بخش حسن، کتاب تاریخ بیمارستان های ایران (از آغاز تا عصر حاضر)، ۱۳۷۹، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران
۱۹. ثابت بن قره، کتاب الذخیره فی علم الطب، قاهره، چاپ صبحی، ۱۹۲۸ م.
۲۰. جان احمدی فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دفتر نهاد مقام معظم رهبری، تهران، ایران
۲۱. جرجانی، اسماعیل بن حسن، ذخیره خوارزمشاهی، ۴۳۴ - ۵۳۱ ق. تصحیح محمد رضا محرری، انتشارات

- فرهنگستان علوم پزشکی، ایان، تهران ۱۳۸۰
۲۲. جمعی از نویسندگان، زیر نظر ولایتی علی اکبر، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (ویژه علوم پزشکی)، دفتر نهاد مقام معظم رهبری، تهران، ایران
۲۳. حسین درگاهی، آیت معروفی-مقایسه تطبیقی تاریخ پیدایش بیمارستان در سرزمین‌های اسلامی و مغرب زمین- مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره سوم، شماره ۴،
۲۴. الخطیب، تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۱۵۵ وکمال الدین دمیری، حیاة الحیوان الکبری، (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ه-ق.)
۲۵. دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «حارث بن کَلْدَه بن عمرو بن عِلاج ثقفی»، شماره ۵۶۸۸
۲۶. دایره المعارف بزرگ اسلامی زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی ناشر: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی سال نشر جلد اول: ۱۳۷۴ ش، تهران، ایران
۲۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش.
۲۸. الذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری. (بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۱ ه - ۱۹۹۱ م) ط، الثانية.
۲۹. الزرکلی، خیر الدین (م ۱۳۹۶)، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۸۹ م. ط الثامنة،
۳۰. زرین کوب، عبدالحسین؛ (۱۳۶۲)، کارنامه‌ی اسلام، تهران: امیرکبیر، چاپ نوزدهم.
۳۱. زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، مترجم: جواهر کلام، علی، ناشر: امیر کبیر، محل نشر: تهران - ایرانسال نشر: ۱۳۷۲
۳۲. ساکت، محمد حسین، شیوائی و شیدائی، (برگی از فرهنگ و تمدن ایرانی- اسلامی)، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۶. چاپ اول. ص ۳۱۴.
۳۳. سیریل، الگود، تاریخ پزشکی ایران و خلافت شرقی، کمبریج ۱۹۵۱ م.
۳۴. شارل پلاد، اسلام، چاپ دوم، تکمله ۵ - ۶، لیدن ۱۹۸۲ م.
۳۵. صدیقی، محمد زبیر، مطالعات انجام شده در پزشکی ادبیات فارسی و عربی، کلکته ۱۹۵۹ م.
۳۶. الطبری، أبو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الطبری (تاریخ الأمم و الملوک)، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷ ق- ۱۹۶۷ الام، ط الثانية،
۳۷. عبدالرحمن بن علی بن محمد بن الجوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک والامم، حیدریه‌آباد: مطبعه دایره المعارف النظامیه، ۱۳۷۵ تاریخ مختصرالدول، لبنان، چاپ انطون صالحانی یسوعی، ۱۴۰۳ ه/ق. ۱۹۸۳ م.
۳۸. عطایی اصفهانی، خدمات اسلام به اروپا، قم، ناشر حضرت عباس (ع)، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.
۳۹. علی بن یوسف القفطی، اخبار العلماء باخبار الحکماء، ص ۱۳۲.
۴۰. عیسی بک، احمد، تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام، ترجمه نور الله کسائی (تهران: موسسه توسعه دانش و پژوهش در ایران، ۱۳۷۱ ش)، چ، اول،
۴۱. غنیمه، عبدالرحیم تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه، نورالله کسائی، تهران: انتشارات یزدان، ۱۳۶۴. چ، اول

۴۲. فدائی عراقی غلامرضا، حیات علمی درعهدآل بویه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ش.
۴۳. قفطی، علی بن یوسف، تاریخ الحکماء و هو مختصر الزوزنی المسمی بالمنتخبات الملتقطات من کتاب اخبار العلماء به اخبار الحکماء، چاپ یولیوس لیپرت، لایپزیگ ۱۹۰۳ م.
۴۴. کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، مجلد: ۱۵، ناشر: دار احیاء التراث العربی، محل نشر: بیروت - لبنان، بی تا.
۴۵. کسائی نورالله، مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماعی آن، موسسه انتشارات امیرکبیر، محل نشر: تهران، تاریخ نشر: ۱۳۶۳
۴۶. الگود، سیریل تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه باهر فوقانی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱) و ۱۸۷.
۴۷. لوکلر، لوسین، تاریخ طب عرب، نیویورک ۱۹۷۱ م.
۴۸. مازن المبارک، مجتمع الهمدانی، من خلال مقامات، (دمشق: دارالفکر، ۱۴۰۱ هـ. ۱۹۸۱ م.)، ط الثانية، ص ۷۷.
۴۹. محمدبن اسحاق، السیره النبویه، به نقل از الکتانی، محمد عبدالحی، نظام الحکوه النبویه التراتیب الاداریه، لبنان - بیروت: دارالکتب العربی، بی تا، الطبعة الاولى.
۵۰. مستوفی حمد الله، حمد الله بن ابی بکر، نزهة القلوب، محقق: دبیر سیاقی، محمد، ناشر: حدیث امروز محل نشر: قزوین - ایرانسال نشر: ۱۳۸۱
۵۱. المقریزی، تقی الدین احمدبن علی، الخطط المقریزیه، (لبنان: منشورات داراحیاء العلوم، بی تا)، ج ۳،
۵۲. نجم آبادی محمود، تاریخ طب در ایران پس از اسلام، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳ ش.)
۵۳. نصر، حسین، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۲
۵۴. یاقوت حموی، یاقوت بن عبد الله، معجم البلدان جلد: ۱، مترجم: منزوی، علی نقی ناشر: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه) محل نشر: تهران - ایران سال نشر: ۱۳۸۰

Islamic civilization based approach to the development of hospitals and medical centers in Al Buyeh

Ali Alhami

Department of Islamic Studies, University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

From the beginning of advent of Islam, Islamic governments have granted the treatment, nursing of patients and preparing special places for caring different patients which is named hospital, according to present facilities in their period so that they took action in transfer it to future generations by using ancients knowledge and adding their experiences in specialized issues including treatment, medicine, care and clinics. In this field, Innovations of Muslims are very valuable and admirable. So “hospital” can be considered as one of the valuable science-civilization symbols which are directly related to individual and social health. What is attended in this research in Islamic ancient civilization is to investigate curative centers and its types in Al-Boyeh government; that is, interval between 946-1055, which is considered as important and top point of the Islamic civilization in Shiite government of Iran following the good nature of Islamic prophet in the health care, curative management and curative centers in line with social and individual health. Of course, Islamic civilization has in turn attended to propagation of medical culture through mentioning medical works remained from past nations and foundation of scientific bases to train doctors. Establishing and developing hospitals throughout Islamic countries is one of the most important manifestations in Islamic civilization. In relation to varieties of curative centers in types of disease, curative costs, medicine providing, care of treatment course, establishing and engineering hospital buildings, educational profit from these centers, this paper has obtained valuable achievements differing from other nations and past periods of Islamic world in this historical period of Islamic civilization.

Keywords: patient, hospital, clinic, Islamic civilization, Al-Buyeh government
